

## پیام دوازدهم

### تجربه کردن و مسرت بردن از محتوای عهد جدید بر طبق تجربه روحانی ما برای انجام اقتصاد خدا

مطالعه متون مقدس: ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ عبرانیان ۸: ۸-۱۲؛ رومیان ۸: ۲، ۲۸-۲۹؛ ۱۲: ۱-۲

۱. بر اساس این حقیقت که ارمیا درباره عهد جدید نبوت می کند، کتاب ارمیا را می توان به عنوان یک کتاب عهد قدیم که همچنین کتاب عهد جدید نیز هست، تلقی کرد؛ ما باید محتوای عهد جدید را به عنوان میراث خدا به ما، ببینیم و تصاحب کنیم - ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ عبرانیان ۸: ۸-۱۲:

آ. در عهد جدید چهار برکت و عده داده شده است:

۱. کفاره بی عدالتی ما و فراموش کردن (آمزش) گناهانمان - آ. ۱۲.

۲. افاضه قانون حیات توسط افاضه حیات الهی به درون ما - آ. ۱۰.

۳. امتیاز خدا را به عنوان خدایمان داشتن و قوم او بودن - آ. ۱۰.

۴. عملکرد حیات که ما را قادر می سازد تا خدا را از راه درونی حیات بشناسیم - آ. ۱۱.

ب. چون بخشش گناهان فقط یک روش برای نائل شدن به مقصود خداست، این بخش از متون مقدس، آمزش گناهان را در پایان می گذارد؛ ولی بر طبق تجربه روحانی ما، ما نخست توسط آمزش پاک می شویم؛ سپس از خدا به عنوان قانون حیات مسرت می بریم، در قانون حیات، قوم خدا می شویم، و دروناً شناخت عمیق تری را از خدا کسب می کنیم - آ. ۱۲.

۲. «شرارت ایشان را خواهیم آمرزید و گناهانشان را دیگر هرگز به یاد نخواهم آورد» - آ. ۱۲:

آ. مسیح برای گناهان ما کفاره کرد تا عدالت خدا را برآورده کند، و تا با برآورده کردن الزمات عدالت خدا، ما را مصالحه دهد - عبرانیان ۲: ۱۷.

ب. خون نفیس و تماماً مؤثر مسیح، همه مشکلات ما را حل می کند تا ما مدام در مشارکت با خدا بمانیم که دائماً از نجات زنده او مسرت بریم - اول یوحنا ۱: ۷-۹؛ ۲: ۱-۲:

۱. در برابر خدا، خون باخرید-کننده خداوند، ما را یکبار تا ابد پاک کرده است (عبرانیان ۹: ۱۲، ۱۴)، و اثر آن پاک-شدن، نیاز به تکرار ندارد.

۲. لیکن، ما در وجدانمان بارها و بارها، هرگاه وجدان ما با نور الهی در مشارکتیمان با خدا روشن می شود، به کاربرد آبی پاک کردن مدام خون نفیس خداوند نیاز داریم.

۳. وقتی خدا ما را می بخشد، گناهان ما را از حافظه خود پاک کرده، و دیگر آنها را به یاد نمی آورد؛ آمزش گناهان یعنی برداشتن اتهامات گناه بر ضد ما در برابر خدا تا ما بتوانیم از کیفر عدالت خدا رهایی یابیم - یوحنا ۵: ۲۴:

(آ) وقتی خدا گناهانمان را می بخشد، او باعث می شود که گناهان مرتکب شده، از ما دور شوند -

مزامیر ۱۰۳: ۱۲؛ لاویان ۱۶: ۷-۱۰، ۱۵-۲۲.

(ب) بخشش گناهانمان توسط خدا، به خدا-ترسی ما و عشق ما به خدا در مشارکت بازسازی-شده ما با

او منجر می شود - مزامیر ۱۳۰: ۴؛ لوقا ۷: ۴۷.

ب. خون نفیس مسیح، خدا را راضی می کند، دسترسی ایمانداران به خداست، و بر همه اتهامات دشمن غلبه می نماید؛ خون نفیس خداوند همچنین خون عهد جاودان است (متی ۲۶: ۲۸؛ عبرانیان ۱۳: ۲۰)، که توسط خونی که کاهن اعظم در لاویان ۱۶ به وسیله آن وارد قدس الاقداس می شد، نشان داده شده است:

۱. خون عهد، ما را قادر می سازد که به قدس الاقداس عملی وارد شویم (عبرانیان ۱۰: ۱۹-۲۰)، یعنی روحمان (افسسیان ۲: ۲۲؛ دوم تیموتائوس ۴: ۲۲)، تا از خدا مسرت برده و با او القاء شویم.

۲. بر طبق مکاشفه در عهد جدید، ما نه تنها توسط خون به حضور خدا آورده می شویم - ما همچنین به درون خود خدا آورده می شویم؛ آن خون باخرید-کننده و پاک-کننده ما را به درون خدا می آورد!

۳. خون عهد، در اصل، برای خداست تا به جهت مسرت ما، نصیب ما شود - مزامیر ۲۷: ۴؛ ۷۳: ۱۶-۱۷، ۲۵؛ اول قرنیتان ۲: ۹؛ عبرانیان ۱۰: ۱۹-۲۰.

۴. عاقبت، خون مسیح به عنوان خون عهد جدید (متی ۲۶: ۲۸؛ لوقا ۲۲: ۲۰) مردم خدا را به چیزهای بهتر عهد جدید می آورد، که در آن، خدا به مردمش قلب نو، روح نو، روح او، قانون درونی حیات (حاکمی از خود خدا با ذات، حیات، خواص و صفات خود) و توانایی حیات برای شناخت خدا (ارمیا ۳۱: ۳۳-۳۴؛ حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷؛ عبرانیان ۸: ۱۰-۱۲) را می دهد.

۵. در نهایت، خون عهد جدید، عهد جاودان (۱۳: ۲۰)، مردم خدا را قادر می سازد که او را خدمت کنند (۸: ۱۰-۱۲) و مردم خدا را به مسرت کامل از خدا به عنوان سهم [نصیب] آنها (درخت حیات و آب حیات)، هم حال و هم برای ابد، هدایت می کند (مکاشفه ۷: ۱۴، ۱۷؛ ۲۲: ۱-۲، ۱۴، ۱۷).

۳. «شریعت [قانون] خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و بر دلشان خواهم نگاشت» - عبرانیان ۸: ۱۰؛ ارمیا ۳۱: ۳۳ آ:

آ. مرکز، مرکزیت عهد جدید، قانون حیات در باطن است؛ قانون حیات الهی، قانون روح حیات (رومیان ۸: ۲)، همان اصل خودکار و قدرت خودبخود حیات الهی است.

ب. خدای سه یکتا از طریق جسم پوشیدن، مصلوب شدن، رستخیز و صعود، پروسه دید تا تبدیل به قانون روح حیات شود که در روح ما به عنوان یک قانون «علمی»، یعنی یک اصل خودکار، نصب شده است - آ. ۲-۳، ۱۱، ۳۴، ۱۶.

پ. رابطه خدا با ما امروزه کاملاً بر اساس قانون حیات است؛ هر حیاتی دارای یک قانون بوده و حتی خودش یک قانون است؛ حیات خدا بالاترین حیات، و قانون این حیات بالاترین قانون است - امثال ۳۰: ۱۹؛ اشعیا ۴۰: ۳۰-۳۱. ت. رومیان باب ۸، که عنوان آن، قانون روح حیات است، می تواند به عنوان قانون کل کتاب مقدس و مرکز عالم محسوب شود؛ پس اگر ما رومیان باب ۸ را تجربه می کنیم، در مرکز عالم هستیم:

۱. خدا اکنون به عنوان قانونی که به طور خودکار، خودبخود، و نا خود آگاه عمل می کند، در ماست تا ما را از قانون گناه و مرگ برهاند؛ این یکی از بزرگترین کشفیات و حتی بازیابی ها در اقتصاد خداست - ۷: ۱۸-۲۳؛ ۸: ۲.

۲. ما از توزیع حیات به درون وجودمان، برای به انجام رساندن اقتصاد خدا توسط کارکرد قانون روح حیات، مسرت می بریم - ارمیا ۳۱: ۳۳؛ عبرانیان ۸: ۱۰؛ رومیان ۸: ۲-۳، ۱۰، ۶، ۱۱.

۳. مسرت قانون روح حیات در رومیان ۸، ما را به واقعیت بدن مسیح در رومیان ۱۲ می آورد؛ این قانون، همانطور که ما در بدن و برای بدن زندگی می کنیم، در درونمان عمل می کند - ۸: ۲، ۲۸-۲۹؛ ۱۲: ۱-۲، ۱۱؛ فیلیپیان ۱: ۱۹.

ث. خدا با افاضه کردن حیات الهی خود به درون ما، بالاترین قانون (مفرد - ارمیا ۳۱: ۳۳) از این بالاترین حیات را در روحمان می نهد، که از آنجا به بخشهای درونی ما، مانند ذهن، احساس و اراده ما، گسترش پیدا می کند و به چند قانون تبدیل می شود (جمع - عبرانیان ۸: ۱۰):

۱. گسترش این قانون در ما، همان افاضه شدن است (رومیان ۸: ۱۰، ۶)، و افاضه شدن، حک نمودن می باشد (دوم قرنیتان ۳: ۳)؛ در حالی که خداوند گسترش یافته، افاضه و حک می کند، عنصر کهنه آدم را از ما کاسته و عنصر نوین مسیح را در ما می افزاید، که بدین وسیله، به طور سوخت و سازی، برای ما دگرگونی در حیات را به انجام می رساند - آ. ۱۸.

۲. با کارکرد و گسترش قانون حیات در درونمان، خدا ما را در حیات، ذات، و ابراز مثل خودش می کند؛ ما توسط کارکرد قانون حیات به صورت پسر نخست زاده خدا همشکل می شویم - رومیان ۸: ۲، ۲۹.

ج. ما همانگونه که در تماس با خداوند بوده و در تماس با او باقی می مانیم، قانون حیات، قانون روح حیات، به طور خودکار، خودبخود و بی دردسر کار می کند - فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۳؛ رومیان ۸: ۲، ۴، ۶، ۱۳-۱۶، ۲۳؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۶-۱۸:

۱. ما باید از تلاش و تقلای خود دست بکشیم - غلاطیان ۲: ۲۰؛ رومیان ۷: ۱۵-۲۰:
- (آ) اگر ما ندیده باشیم که گناه یک قانون است و اراده ما هرگز قادر به غلبه کردن بر این قانون نیست، در رومیان باب ۷ اسیر بوده، و هرگز به رومیان باب ۸ نخواهیم رسید.
- (ب) پولس بارها و بارها اراده کرد، ولی تنها نتیجه، شکست مکرر بود، بهترین کاری که یک انسان می تواند بکند قصد-کردن است - ۷: ۱۸.
- (پ) وقتی گناه در ما خفته است فقط گناه است، ولی وقتی توسط اراده انجام کار خوب در ما بیدار می شود، تبدیل به «بدی» می شود - آ. ۲۱.
- (ت) بجای قصد کردن، ما باید ذهنمان را بر روح قرار داده و بر طبق روح گام برداریم - ۸: ۶، ۴؛ فیلیپیان ۲: ۱۳.
۲. ما باید با خدای ساکن، نصب-شده، و عمل-کننده به عنوان قانون روح حیات در درونمان توسط دعا و داشتن روحی متکی، فراخواندن نام خداوند و دعایی خوانی کلام او، همکاری کنیم، تا مشارکتمان با او را حفظ نماییم - رومیان ۱۰: ۱۲-۱۳؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۷؛ افسسیان ۶: ۱۷-۱۸:
- (آ) رمز تجربه کردن مسیح به عنوان قانون حیات این است که در او باشیم، همان کسی که ما را برای همه کار قوت می بخشد، و رمز بودن در او این است که در روحمان باشیم - فیلیپیان ۴: ۱۳، ۲۳.
- (ب) ما برای زندگی کردن در روحمان باید به جهت نگرستن بر او زمان صرف کنیم تا در دعا با عیسی مشارکت کرده، غرق در نور چهره اش شویم، و اشباع شده با زیبایی اش، درخشنده نورش باشیم - دوم قرنتیان ۳: ۱۶، ۱۸؛ م.ش. متی ۱۴: ۲۳.
- چ. عملکرد قانون حیات مستلزم رشد در حیات است، زیرا قانون حیات تنها هنگام رشد کردن عمل می کند - مرقس ۴: ۳، ۱۴، ۲۶-۲۹:
۱. شفاعت مسیح بر تخت، بذر حیات را که او هنگام رستاخیز در درونمان کاشت، بر می انگیزاند - عبرانیان ۷: ۲۵؛ رومیان ۸: ۳۴.
۲. پسر نخست زاده برای ما شفاعت می کند تا حیاتی را که در روحمان کاشته بتواند به جهت رشد، گسترش و اشباع تمام اجزای درونی ما برانگیخته شود، تا اینکه او کاملاً با وجود جلال- یافته و والای خود در ما نفوذ کند.
۳. همان گونه که حیات الهی در ما در حال رشد است، قانون حیات عمل می کند که ما را شکل دهد و همشکل صورت مسیح به عنوان پسر خدا سازد تا ما بتوانیم ابراز جمعی او شویم؛ قانون حیات ما را تنظیم نمی کند که اشتباه نکنیم، بلکه شکل حیات را تنظیم می کند - آ.آ. ۲، ۲۹:
- (آ) آن پیش نمونه [الگوی نخستین] درونی، پسر نخست زاده خدا، به طور خودکار به عنوان قانون حیات در ما کار می کند تا ما را همشکل صورت او نماید، تا ما را «پسر-گونه» [مقام پسران خدا] کند؛ خداوند عاجزانه کار می کند تا تک تک ما را مثل پسر نخست زاده کند.
- (ب) راه خدا برای تکثیر انبوه این پیش نمونه، این است که الگوی نخستین زنده خود، پسر نخست زاده، را به درون کل وجودمان بکار برد؛ اگر ما با این پیش نمونه شگفت انگیز هماهنگی کرده و به او باز باشیم، او از روح ما به طرف بیرون یعنی روان ما گسترش پیدا خواهد کرد.
- (پ) پسر نخست زاده، یک پیش نمونه، همان نمونه شاخص، برای تکثیر انبوه پسران بسیار خداست، که برادران بسیار او به جهت ساختار بدن او به عنوان انسان نو برای تکثیر و ابراز آن نمونه شاخص، یعنی پسر نخست زاده خدا، هستند - آ.آ. ۲۹.
۴. قانون حیات در وهله اول از جنبه منفی کار نمی کند که به ما بگوید چکار نکنیم؛ در عوض، در حالی که حیات رشد می کند، عملکرد قانون حیات از جنبه مثبت شکل دادن به ماست، یعنی اینکه ما را همشکل صورت مسیح می کند؛ از طریق عملکرد قانون حیات، ما همگی تبدیل به پسران بالغ خدا شده، و خدا ابراز عالمگیر و جمعی خود را خواهد داشت.

- آ. اینکه خدا خدای ما باشد بدین معناست که او میراث ماست - افسسیان ۱: ۱۴:
۱. خدا انسان را به عنوان یک ظرف آفرید تا حاوی او باشد (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ رومیان ۹: ۲۳-۲۴)؛ بنابراین، خدا میراث انسان است، همان گونه که محتوای یک ظرف، دارایی آن ظرف است.
  ۲. خدا نه تنها میراث ماست بلکه برای مسرتمان، نصیب مقرر و پیاپی ما (مزامیر ۱۶: ۵) نیز هست؛ نجات یافتن، بازگشت به خداست و از نو مسرت بردن از او به عنوان دارایی ماست، همان طور که با بازگشت انسان به ملک خو در یوبیل نشان داده می شود (لاویان ۲۵: ۱۰؛ لوقا ۴: ۱۸-۱۹؛ لوقا ۱۵: ۱۷-۲۴؛ اعمال ۲۶: ۱۸؛ کولسیان ۱: ۱۲).
  ۳. خدا آن روح را نه تنها به عنوان تضمین میراثمان بلکه همچنین به عنوان یک پیش مزه از آنچه از خدا به ارث خواهیم برد (دوم قرنتیان ۱: ۲۲)، به ما می دهد؛ بیعانه روح، کم کم خدا را بیشتر در ما می افزاید تا وقتی که ما وارد ابدیت شده و خدا را چون مسرت کامل خود داشته باشیم.
- ب. برای ما این که قوم خدا باشیم بدین معناست که ما میراث او هستیم - افسسیان ۱: ۱۱، ۱۴، ۱۸؛ ۳: ۲۱:
۱. ما نه تنها خدا را به عنوان میراث خود برای مسرتمان به ارث می بریم (۱: ۱۴) بلکه همچنین برای مسرت خدا، میراث او می شویم (آ. ۱۱).
  ۲. با بکار رفتن خدا در درونمان، ما به صورت میراث خدا ترکیب می شویم؛ این دگرگونی است، و این همچنین تقدیس درونی می باشد.
  ۳. خدا روح قدوس خود را به عنوان مهر در درونمان نهاد (آ. ۱۳) تا ما را مشخص کند، که نشانگر این است که ما متعلق به خدا هستیم؛ این مهر، زنده است و درونمان کار می کند تا در ما نفوذ کرده، و با عنصر الهی خدا، تا هنگام بازخرید بدنمان، ما را دگرگون سازد.
  ۴. به طور کامل، میراث متقابل خدا و انسان تبدیل می شود به میراث خدا در مقدسین برای ابد (آ. ۱۸)؛ این ابراز جاودان او به حد اعلا، به طور جهانی و ابدی خواهد بود (مکاشفه ۲۱: ۱۱).
۵. «دیگر کسی به همسایه خود تعلیم نخواهد داد و یا کسی به برادر خود نخواهد گفت، "خداوند را بشناس!" زیرا همه از خرد و بزرگ، مرا خواهند شناخت» - عبرانیان ۸: ۱۱؛ ارمیا ۳۱: ۳۴آ:
- آ. عملکرد حیات، ما را قادر خواهد ساخت که خدا را از راه درونی حیات بشناسیم؛ ما می توانیم خدا را به طور درونی، از حس حیات، بشناسیم؛ حس حیات همان حس، آگاهی، از حیات الهی درونمان است - رومیان ۸: ۶؛ افسسیان ۴: ۱۸-۱۹؛ فیلیپیان ۳: ۱۰آ:
  ۱. حس حیات از حیات الهی (افسسیان ۴: ۱۸)، قانون حیات (رومیان ۸: ۲؛ عبرانیان ۸: ۱۰، و مسح حیات می آید (اول یوحنا ۲: ۲۷).
  ۲. حس حیات از جنبه منفی، حس مرگ است، و از جنبه مثبت، حس حیات و آرامش می باشد - رومیان ۸: ۶؛ اشعیا ۲۶: ۳.
  ۳. ما باید بر طبق حس حیات، در اصل حیات زندگی کنیم، نه بر طبق اصل درست و غلط، اصل مرگ.
  ۴. این زندگی کردن مطابق اصل درخت حیات است، نه مطابق اصل درخت دانش خوب و بد - پیدایش ۲: ۹.
  ۵. حس حیات باعث می شود ما بدانیم که آیا در حیات طبیعی زندگی می کنیم یا در حیات الهی و آیا در جسم زندگی می کنیم یا در روح.
- ب. «یک مسیحی برای خدمت خدا و یا کار کردن بهر او، باید بیاموزد که از درخت دانش خوب و بد دوری کند... فقط کسانی که درخت حیات را لمس می کنند شاهد باقی ماندن زندگی و کارشان در اورشلیم نو خواهند بود» (Messages Given during the Resumption of Watchman Nee's Ministry, vol. 1, pp.94-95).
۵. در نهایت، مسرت بردن ما از روح ساکن در درون به عنوان قانون حیات الهی - خودکار، قانون روح حیات، بدن مسیح است و برای بدن مسیح می باشد با این هدف که ما را تبدیل کند به خدا در حیات، ذات، و ابراز اما نه در هستی - خدا، برای به انجام رساندن هدف اقتصاد ابدی او - اورشلیم نو - رومیان ۸: ۲، ۲۸-۲۹؛ ۱۲: ۱-۲؛ ۱۱: ۳۶؛ ۱۶: ۲۷؛ فیلیپیان ۱: ۱۹؛ غلاطیان ۴: ۲۶-۲۸، ۳۱.